

نگاه روز

به رسمیت شناختن نقش جامعه داوطلب محلی یاسین‌وهایی تسهیلگر اجتماعی

سومین نشست از سلسله نشست‌های «بایسته‌های توسعه محلی در ایران» در انجمن جامعه‌شناسی ایران برگزار شد و این بار مدیران اجرایی پروژه دفاتر تسهیلگری و توسعه محلی روایت خود را از این تجربه ارائه کردند. در این نشست به جزئیات و ملاحظات اجرایی پروژه از مرحله اقناع دولت تا ظرافت‌های مرتبط با انتخاب مؤسسات مردم‌نهاد برای قبول مسئولت تشکیل دفاتر تسهیلگری و سپس مرحله انتخاب تسهیلگران حوزه‌های مختلف (شهرداری، مددکاری، اقتصادی، اجتماعی و حقوقی) پرداخته شد؛ پروژه‌ای که در ۲۲ استان با تنوع و تکثر فرهنگی از یک سو و تفاوت سلاقی و توانمندی‌های مدیران و تسهیلگران از سوی دیگر، باید مسائل محلات را با کمک جامعه محلی شناسایی می‌کرد و بعد با کمک مردم اولویت‌های مسائل محله را تعیین می‌کردند و سپس مردم محلی و داوطلبان علاقه‌مند به حل مسئله را یاری می‌کردند تا به هر شکل ممکن راهی برای حل مسئله بیابند. همه اینها مراحل یک کار اجتماع‌محور است که البته در بسیاری موارد مستلزم همراهی و همکاری نهادها در سطح ملی و استانی بود که این مورد هم در نقاط مختلف به‌گونه‌های متفاوتی تجربه شده است. تجربه دفاتر تسهیلگری و توسعه محلی وزارت کشور حدوداً سه سال مفید به طول انجامید و در این مدت در پهنه وسیعی از کشور مروج ادبیاتی جدید بود و توانست در بسیاری از محله‌های هدفش، مشارکت مردم را افزایش دهد و به آنها یادآوری کند که برای حل بسیاری از مشکلات، می‌توانند با کمترین چالش به مطالبه‌گری بپردازند و برای رفع مشکل اقدام کنند. برخی مشکلات مستلزم همراهی خود مردم بود، اما برخی موارد صرفاً با حضور نهادهای دولتی و عمومی و حاکمیتی حل‌شدنی بودند که همه اینها با حضور و مشارکت مردم میسر می‌شد. محتمل است این پروژه در همه جای کشور به یک اندازه توفیق نداشته، اما در مجموع نتایجی به همراه داشته است که هنوز خاطره و تأثیراتش در اذهان مردم و مدیران دولتی باقی مانده است.

توسعه محلی به‌تنهایی قادر به حل مسائل محلی نیست، اما در همه شرایط می‌تواند باری از دوش مردم و مسئولان بردارد؛ در شرایط بحرانی یا در شرایط رونق و فراوانی، همیشه مسائلی هست که ممکن است با مشارکت مردم و مسئولیت‌پذیری نهادها حل‌شدنی باشند. توسعه محلی با رویکرد اجتماع‌محور البته حامل ارزش‌هایی است که فراتر از این نتایج، به پویایی جامعه، افزایش سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی، رونق جامعه مدنی و تشکلهای مردم‌نهاد، مطالبه‌گری و مسئولیت‌پذیری توانمن شهروندان، افزایش حس تعلق به محله، ایجاد فرصت‌های اشتغال خرد و محلی نیز منجر خواهد شد. طبیعتاً در چنین شرایطی اولاً نهادهای دولتی و عمومی با کمک مردم خدمات‌رسانی بهتری خواهند داشت و در ثانی همیشه چشمان ناظر، پرسشگر و مطالبه‌گر جامعه را ناظر فعالیت‌های خود خواهند دانست و به‌مور اثربخشی اقدامات دولت، حاکمیت و بخش عمومی بیشتر خواهد شد.

تجربه دفاتر تسهیلگری نمونه‌ای از این فضای انسان‌محور و اجتماع‌محور است؛ انتخاب عاملان چنین تجربه‌ای آن است که به جای سکوت یا انتقاد، دست به کار اقدام بزنند و برای حل مسائل محیط زندگی خود دست به کار شوند. نتیجه چنین وضعیتی بی‌گمان شور و امید به زندگی را دوچندان خواهد کرد و البته پیامد طبیعی‌اش نه‌تنها رفع مسئولیت از دولت نیست، بلکه باعث افزایش اثربخشی و پاسخ‌گویی نهادهای دولتی نیز خواهد شد. در



۱- شناسایی مؤلفه‌های کالبدی، جمعیت‌شناختی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ساکنان این مناطق و ثبت اطلاعات مربوط در سامانه مدیریت آسیب‌های اجتماعی با رعایت قانون مدیریت داده‌ها و اطلاعات ملی تا پایان سال دوم برنامه.

۲- کاهش عوامل طرد و محرومیت اجتماعی، توانمندسازی اقشار و گروه‌های آسیب‌دیده اجتماعی و بهبود کیفیت زندگی ساکنان در این مناطق با رعایت موازین شرعی.

تبصره- وزارت کشور مکلف است به ساماندهی سازمان‌های مردم‌نهاد و نیز نهادهای پیشرفت و توسعه محلی مردمی به منظور توانمندسازی محلات و رفع فقر و محرومیت و کاهش آسیب‌های اجتماعی و رونق تولید و اشتغال و ارتقای سطح معیشت، پیش‌بینی یا ایجاد تمهیدات لازم و حمایت‌های معنوی و کمک‌های مادی و کمک‌های فنی و اعتباری و تأمین امکانات و تسهیلات، اقدام قانونی به عمل آورد.

۳- تقویت همبستگی، مشارکت و احساس تعلق ساکنان از طریق تعیین و اجرای برنامه‌های فرهنگی-اجتماعی جمعی.

تبصره- در راستای مرمی‌سازی و استفاده بهینه از امکانات دولت و نقش‌آفرینی مردم در حل بحران‌ها، آسیب‌ها و چالش‌های محلات بحرانی و در معرض آسیب، آیین‌نامه نحوه مداخله یکپارچه دستگاه‌های اجرایی، مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی، سازمان بهزیستی کشور در محلات و حاشیه‌شهرها با استفاده از ظرفیت حلقه‌های میانی از سوی وزارت کشور و با همکاری قرارگاه قرب بقیه‌الله تهیه می‌شود و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

ج- جلوگیری از توسعه حاشیه‌نشینی با رویکرد ارتقای کیفیت زندگی ساکنان کانون‌های مهاجرت‌فرست (مهاجرت معکوس) از طریق توزیع یکپارچه و مناسب منابع با امکانات متناوب به شاخص محرومیت از سوی سازمان و با همکاری وزارت کشور، شهرداری‌ها، قوه قضائیه، وزارت راه و شهرسازی و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، بنیاد مستضعفان، ستاد اجرایی فرمان حضرت امام(ره) و سازمان بسیج سازندگی در چارچوب اسناد و مقررات مربوط و مصوبات شورای عالی آمایش سرزمین.

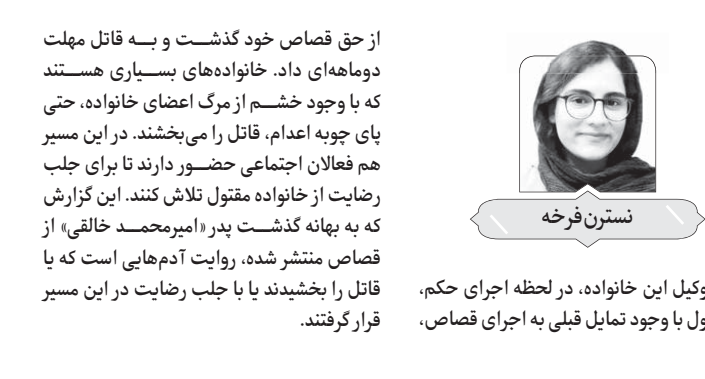
به‌این‌ترتیب پروژه‌ای که هیچ نهادی هرگز به صراحت درباره دلیل خاتمه‌اش اعلام نظر نکرده، توانسته در تغییر نگرش مسئولان به توسعه محلی مؤثر باشد و اکنون با پشتوانه برنامه هفتم توسعه، دولت مکلف است به ظرفیت‌های مردمی و محلات توجه بیشتری داشته باشد. امیدواریم نهادهای مدنی نیز از این فرصت برای کاهش آلام مردم و کاستن از مسائل محلات کام بردارند.



با قصاص نشدن قاتل دانشجوی ۱۹ساله، «شرق» از پرونده‌هایی که به «گذشت» منتهی شده‌اند، گزارش داد

نسخه بخشش

یکی از فعالان در پرونده‌های قصاص: اعدام برگشت‌پذیر نیست. اگر در قضاوت مشکلی پیش بیاید، دیگر جبران‌پذیر نیست. اگر کسی حبس ابد داشته باشد بعد از چند سال مشخص شود ایراداتی در پرونده بوده، بی‌گناهی او ثابت می‌شود؛ حداقل زنده است ولی در اعدام این‌طور نیست



حتی توهین هم دارد، ولی ما این را پذیرفته‌ایم. وقتی این پذیرش وجود داشته باشد، دیگر هیچ‌گونه سختی مانع نمی‌شود. گاهی حتی در این رفت‌وآمدها برخورد فیزیکی هم پیش می‌آید، ولی ما همچنان ادامه می‌دهیم. خیلی از پرونده‌ها سال‌ها طول می‌کشد. معمولاً بین سه تا ۱۰ سال زمان می‌برد تا خانواده مقتول به بخشش راضی شود. هرچند متأسفانه الان شرایط زندان‌ها طوری شده که به نظر می‌رسد می‌خواهند زودتر پرونده‌ها را ببندند و در زمان کوتاهی باید به دنبال روند بخشش برویم و در غیر آن صورت حکم اجرا می‌شود. درحالی‌که خانواده‌ها نیاز به زمان دارند تا از خشم و اندوه عبور کنند و بتوانند تصمیم درست بگیرند.» جبارزادگان آمار دقیقی از تعداد پرونده‌هایی که به بخشش رسیده، ندارد، اما آنچه حدودی اعلام می‌کند، تاکنون بیش از ۲۰۰ پرونده موفق در زمینه جلب رضایت داشته‌اند: «قبل از روزهای شیوع کرونا، آماری که به دست آوردیم ۲۰۰ مورد بود که الان بیشتر هم شده است. خیلی از این پرونده‌ها هم حتی بدون پرداخت دیه ختم به بخشش شده است.»

آنها باید پای حرف خانواده‌هایی بنشینند که در سوگ عزیز خود هستند: «خانواده‌های داغ‌دیده معمولاً در شرایط روحی بدی هستند و نسخه مشخصی برای شروع تعامل با آنها وجود ندارد. مثلاً یک بار در سرمای زمستان مادری روی من و همراهانم با شلنگ آب می‌ریخت تا از او دوری کنیم، ولی ما امید به رضایت داشتیم. حتی نقطه‌ای از نور هم بینیم، باز پیش می‌رویم.» او توضیح می‌دهد که معمولاً گروهی دو تا سه‌نفره از زنان برای گفت‌وگو با خانواده‌ها مراجعه می‌کنند: «نه از نگاه جنسیتی، بلکه چون معمولاً زن‌ها در خانه حضور دارند و راحت‌تر اعتماد می‌کنند، این تیم هم متشکل از چند زن است. وقتی اعتماد شکل بگیرد، می‌توانیم قدم‌به‌قدم جلو برویم. ما هیچ نسخه‌ای نداریم که برای همه خانواده‌ها جواب بدهد و هر خانواده مسیر خودش را دارد. نکته مهم این است که اعدام برگشت‌پذیر نیست؛ یعنی اگر در قضاوت مشکلی پیش بیاید، دیگر جبران‌پذیر نیست. اگر کسی حبس ابد داشته باشد، بعد از چند سال مشخص شود ایراداتی در پرونده بوده، بی‌گناهی او ثابت می‌شود؛ حداقل زنده است، ولی در اعدام این‌طور نیست و پایان همه چیز است.»

آنها در تمام ایران، شهر به شهر سفر می‌کنند تا از اعدام بیشتر جلوگیری کنند. «یکی از نمونه‌های به‌یادماندنی زنی است که برادرش به قتل رسیده بود، اما خودش پای چوبه دار رضایت داد. حالا خودش برای جلب رضایت در پرونده‌ها با ما همکاری می‌کند.»

آدم‌های بسیاری هستند که تلاش می‌کنند با جلب رضایت خانواده‌های داغ‌دیده، مانع اجرای احکام قصاص شوند. سارا باقری، وکیل پایه‌یک دادگستری و فعال حوزه حقوق کودکان، در زمینه جلب رضایت در پرونده‌های قتل مربوط به افراد زیر ۱۸ سال فعالیت دارد. طبق گفته‌های او به «شرق»، روند جلب رضایت در چنین پرونده‌هایی با طیفی از واکنش‌ها و برخوردهای متفاوت از سوی خانواده‌های اولیای‌ها همراه است: «در مسیر فعالیت‌مان با خانواده‌هایی مواجه شده‌ایم که با وجود رنج عمیق ناشی از فقدان عزیزشان، با احترام و متانت رفتار کردند و حتی ما را در خانه خود پذیرفتند. در مقابل، برخی خانواده‌ها به دلیل زخم‌های روحی و فشار روانی، واکنش‌های تندتری نشان داده‌اند و در مواردی با بی‌اعتمادی یا حتی پرخاش برخورد کرده‌اند. برای ما قابل درک است که حضورانم در چنین موقعیت‌هایی همیشه با احساسات متضاد همراه باشد؛ چراکه وارد حیطه‌ای از

درد و خشم انسانی می‌شویم. در یکی از پرونده‌ها، خانواده مقتول با وجود گذشت چند سال از حادثه، ما را با احترام پذیرفتند و حتی پیشنهاد دادند که شب را در خانه‌شان بمانیم. گفت‌وگوهای طولانی و متعددی با اعضای خانواده داشتیم و در نهایت بزرگ‌تر خانواده اعلام آمادگی کرد که برای بخشش در دادگاه حاضر شود. هرچند این همکاری در عمل به نتیجه نرسید، اما نحوه برخورد خانواده نشان‌دهنده تمایل به گفت‌وگو و آرامش بود. در چنین روندهایی، معمولاً لازم است چندین بار ملاقات انجام شود تا زمینه برای تصمیم‌گیری نهایی فراهم شود.» باقری در ادامه به تجربه‌ای دیگر اشاره می‌کند که در یکی از شهرهای کوچک کشور رقم خورد: «در برخی مناطق، مسئله نگاه طبقاتی بسیار پررنگ است. گاه خانواده‌ها احساس می‌کنند افرادی که از شهرهای بزرگ آمده‌اند، درک درستی از شرایط زندگی آنها ندارند. در یکی از پرونده‌ها، خانواده مقتول با این تصور که ما از طبقه مرفه هستیم، تمایلی به گفت‌وگو نشان نمی‌دادند و حتی با لهجه محلی خود صحبت می‌کردند تا ما متوجه نشویم. این نوع مقاومت‌ها، هرچند گاه ناخوشایند، اما طبیعی است و ریشه در احساس بی‌اعتمادی و زخم‌های اجتماعی عمیق دارد؛ چون در هر حال این خانواده‌ها عزیز از دست داده‌اند و داغ سنگینی دارند.»

این وکیل به موضوع دیه و وجه‌المصلاحه اشاره می‌کند که: «در سال‌های اخیر، ورود افراد و گروه‌هایی بدون تجربه کافی در فضای مجازی یا از میان چهره‌های مشهور، باعث شکل‌گیری انتظارات مالی غیرواقعی در برخی پرونده‌ها شده است. در نتیجه، گاه مبالغی بسیار سنگین از خانواده‌های متهم درخواست می‌شود؛ مبالغی که چندین برابر توان مالی آنهاست. این وضعیت، روند مصالحه را از مسیر انسانی خود خارج و آن را به نوعی معامله مالی تبدیل می‌کند. در یک پرونده، خانواده‌ای که تنها یک خانه کوچک و خودرویی ساده داشتند، با مطالبه مبلغی نجومی مواجه و ناچار شدند برای نجات فرزندشان از هر راهی برای تأمین آن اقدام کنند. هنگامی که به جای انتقام به سوی بخشش و گفت‌وگو حرکت می‌کنیم، فرهنگ مدارا در جامعه تقویت می‌شود. من به عدالت ترمیمی باور دارم، نه صرفاً عدالت کیفری. در عدالت ترمیمی، هدف، التیام و بازسازی روابط انسانی است، نه‌تنها مجازات. تجربه نشان داده است خانواده‌هایی که گذشت کرده‌اند، به مراتب آرامش بیشتری یافته‌اند، در مقایسه با خانواده‌هایی که قصاص را اجرا کرده‌اند.

خانواده‌های داغ‌دیده معمولاً در شرایط روحی بدی هستند و نسخه مشخصی برای شروع تعامل با آنها وجود ندارد. مثلاً یک بار در سرمای زمستان مادری روی من و همراهانم با شلنگ آب می‌ریخت تا از او دوری کنیم، ولی ما امید به رضایت داشتیم. حتی نقطه‌ای از نور هم بینیم، باز پیش می‌رویم

خبرخوان

دستور دادستان برای خسارت‌دیدگان جنگ اخیر

دادستان کشور در جلسه بررسی و پیگیری مستندسازی و اعلام خسارت‌های جنگ تحمیلی ۱۲روزه دستور پیگیری وضعیت این افراد را داد. پنجمین جلسه بررسی و پیگیری مستندسازی و اعلام خسارت‌های جنگ تحمیلی ۱۲روزه، به ریاست محمد موحدی، دادستان کل کشور برگزار شد.

او با تأکید بر اینکه بنیاد شهید و امور ایثارگران باید به امور مجروحان و جانبازان جنگ تحمیلی ۱۲روزه با قید فوریت رسیدگی کند، افزود: «این موضوع از باب حقوق عامه ضرورت دارد. اگر در این راستا مسئولان ذی‌ربط با قوانین و محدودیت‌ها روبه‌رو بودند، رفع موانع ناشی از مقررات دست‌وپاگیر با هماهنگی مسئولان ضرورت دارد؛ چراکه در مواقع بحرانی باید با حفظ نظارت و قانون‌مداری، تصمیمات به‌موقع و کارآمد گرفته شود».

۱۵ میلیون نفر تحت پوشش طرح‌های پیشگیری از اعتیاد

مهر: رئیس سازمان بهزیستی کشور اعلام کرد: «بیش از ۱۵ میلیون نفر تحت پوشش طرح‌های پیشگیری از اعتیاد قرار دارند که حدود سه میلیون نفر مستقیم و ۱۲ میلیون نفر غیرمستقیم از این خدمات بهره‌مند می‌شوند».

جواد حسینی با اعلام اینکه این سازمان در حوزه اعتیاد در پنج قلمرو اصلی فعالیت می‌کند، ادامه داد: «قلمرو اول، شناسایی و نظام ارجاع است و در این حوزه، افراد معتاد از طریق شماره تلفن‌های ۱۲۳ فوریت‌های اورژانس اجتماعی و خط مشاوره ۱۴۸۰، دفاتر مشاوره، فعالیت‌های اجتماعی، تیم‌های سیار و خودمعرف، معتادان شناسایی و به مراکز مربوط ارجاع داده می‌شوند. قلمرو دوم، پیشگیری از اعتیاد است و فعالیت‌های پیشگیری به صورت محله‌محور در پنج‌هزارو ۲۱۳ محله با حضور دوهزارو ۹۲۴ تیم اجرا می‌شود. قلمرو سوم، مداخله و کاهش آسیب است. قلمرو چهارم، خدمات درمان غیردارویی است. قلمرو پنجم مربوط به خدمات حمایتی، صیانت و توانمندسازی است».

برگزاری هفته «ماموگرافی رایگان»

رئیس اداره سرطان معاونت درمان وزارت بهداشت از اجرای طرح ملی «هفته ماموگرافی رایگان» در مراکز منتخب سراسر کشور خبر داد و گفت: «معاونت درمان وزارت بهداشت از تاریخ ۲۶ مهرماه تا سوم آبان‌ماه ۱۴۰۴، طرح ملی هفته ماموگرافی رایگان را، در مراکز منتخب سراسر کشور برگزار خواهد کرد».

مرضیه لشکری با تأکید بر اینکه سرطان پستان شایع‌ترین سرطان در میان زنان ایران و جهان است، افزود: «سرطان پستان سه‌چهارم یکی از مهم‌ترین اولویت‌های نظام سلامت کشور محسوب می‌شود. براساس آخرین آمارهای ملی، بروز خام سرطان پستان در ایران ۴۷.۷ مورد در هر صد هزارزن است و سالانه بیش از ۱۹ هزار مورد جدید از این بیماری در کشور ثبت می‌شود؛ به عبارتی، روزانه بیش از ۵۰ زن و به‌طور میانگین حدود دو نفر در هر ساعت با تشخیص سرطان پستان مواجه می‌شوند».

او افزود: «این ارقام نشان می‌دهد سرطان پستان حدود ۲۶ درصد از کل سرطان‌های زنان ایرانی را تشکیل می‌دهد و همچنان از اصلی‌ترین علل مرگ ناشی از سرطان در بانوان به شمار می‌آید. بااین‌حال، اگر این بیماری در مراحل اولیه شناسایی شود، شانس درمان کامل از بیش از ۹۰ درصد خواهد بود. تشخیص زودهنگام، درمان را ساده‌تر، کم‌هزینه‌تر و مؤثرتر می‌کند و می‌تواند از بروز عوارض جسمی و روحی شدید جلوگیری کند».

او با اشاره به سه روش اصلی تشخیص زودهنگام سرطان پستان گفت: «خودآزمایی پستان به صورت ماهانه از طرف خود فرد، معاینه بالینی پستان از طریق پزشک یا ماما در فواصل منظم و انجام ماموگرافی دوره‌ای از ۴۰سالگی هر یک تا دو سال تا حدود ۷۴سالگی، از روش‌های مؤثر در شناسایی زودهنگام این بیماری هستند».